



پیارے عورتوں

شرائط و

سلام



«پیشران» زندگی چیست؟

جلسه یازدهم – ۲۹ آذر ۱۴۰۰

شنیدیم که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند:

« **رحمت** خاص **الهی** » بر آنکه بفهمد:

« از **کجا** و در **کجا** و عازم **کجا** » ست؟

برای رسیدن به این « رحمت », فهمیدیم که:

« **جلوهٔ اراده** و **مظهرِ حیاتِ الهی** » هستیم،

و با « **ارادهٔ خدا** » به « **اینجا** » آورده شده‌ایم.

وقتی از او پرسیدیم چرا ما را به « **دنیا** » آورده‌ای؟

فرمود: فقط برای اینکه « **ثما** » را « **بیازمایم** »:

« لَيْلُواكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ »

(مائده/۴۸)(أنعام/۱۶۵)

از او پرسیدیم:

ما را با «چی» آزمایش می کنی؟ فرمود:

فرمود: با « ترس! و گرسنگی! و انواعِ نقص! »:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ
بِشَيْءٍ مِّنْ:
الْخَوْفِ
وَالْجُوعِ
وَالنَّاقِصَاتِ
وَالْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵)

و وقتی پرسیدیم: خدایا! پس کی به « بهشت » می‌رسیم؟

فرمود: بدون « مجاهدتِ صابرانه » حرفش را هم ننید:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ؟

وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ

وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ (آل عمران/ ۱۴۲)

پرسیدیم: خدایا؛ « جهاد » و « صبر » چه لزومی دارد؟

فرمود: چون شما « دشمنی حيله گر و مکار » دارید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره/۱۶۸)

مردم؛ ... از گامهای شیطان پیروی نکنید زیرا او دشمن آشکار شماست.

پس با این سخن أميرالمؤمنين صلوات الله عليه که فرمودند:

و اعلم ان امامک طريقا

ذا مسافه بعيده و مشقه شديدہ ... (نامه: ۳۱)

فهميديم که به «**سرمايه‌ای پایان‌ناپذیر**»،

و «**پیش‌برنده‌ای**» بسیار «**قوی**» نیازمنديم.

و دیدیم « **امید** » به « وعده‌های الهی »،

تنها « **سرمایه پایان ناپذیر** » برای ما،

و تنها « **پیشران** بسیار **قوی** » در هر شرائطی است:

ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

خدایا؛ فرصت بده به آنکه سرمایه‌اش فقط « **امید** » (به تو) است،

پرسش ۱:



« اُمید » چی نیست؟

« امید »:

۱- « هوسِ فردی » نیست،

۲- یک « احساسِ موقّتی » نیست،

۳- « خوش‌بینی » (خیالی) نیست،

۴- رسیدن به « آرزوهای مادّی » نیست.

پرسش ۲:



« اُمید » چی هست؟

۱- «امید» یعنی:

«عشق»

به «خالقِ انسان و جهان» است.

۲- «امید» یعنی:

«انتظار»

«عاقلا نه و سازنده و مفید».

۶- «امید» یعنی:

«صبر» همراه با:

«تلاش و خلاقیت و ابتکار» دائم.

۴- « **امید** »:

« **باوری** مؤمنانه » است به اینکه:

« **دنیا** » فانی است و « **مقصد** » انسان،

و محلّ « **نتیجه** » اعمالِ او نیست.

۵- « **امید** »:

« **اعتماد** و **اطمینان** » به وعده‌های الهی است،

و اینکه:

« **تمام عزّت** و **سعادت** و **لذّت** » انسان،

در « **عمل** » به تمام « **تعالیم و أوامر** » خداست.

پریشی ۳:



فرقِ «أُمید و آرزو» در چیست؟

۱- « **امید** »، ثمره « عقلانیت و معرفت » است.

اما « **آرزو** »، فقط یک « احساسِ ذهنی » است.

۲- « **امید** » در « هر شرائطی »،

عاملِ « روحیه و انگیزه » است.

اما « **آرزو** » فقط بر « توقُّعات » فرد می‌افزاید.

۴- « **امید** »، ظهورِ « اندیشه و ایمان » است.

اما « **آرزو** »، بروزِ « وهم و خیال » است.

۴- « **امید** » حاصلِ « مراقبتِ » دائمی،

و « خودسازی و تحوّل درونی » است.

اما « **آرزو** » فقط دنبالِ « تغییرِ بیرونی » است.

۵- « امید »،

« تقویت کننده تلاش و صبر » است.

اما « آرزو »، « رخوت و تنبلی و حسرت » می آورد.

۶- « امید »، « افقِ نگاه » را به « آخرت » می رساند.

اما « آرزو »، انسان را در « ظاهربینی » متوقف می کند.

۷- « **امید** »،

عاملِ « همدلی و همبستگی و وحدت » است،

اما « **آرزو** »، عاملِ « خودخواهی و انزواگزینی » است.

۸- « **امید** »، قطعاً « آرامش‌بخش و نشاط‌آفرین » است،

اما « **آرزو** »، عاملِ « هیجان کاذب » و « اضطراب » است.

۹- « **امید** »، انسان را « در هر شرائطی »،

با « خالقِ حکیم و مقتدرِ جهان » پیوند می‌زند،

اما « **آرزو** »،

فرد را با « اطمینان » به « دنیایِ فانی »،

به « پوچی » و « افسردگی » می‌کشاند.

۱۰- پس انسان «**امیدوار**»،

از «**معیت و حمایت و قدرت**» لایزال الهی

دائماً «**انرژی**» می‌گیرد،

اما فردِ «**آرزومند**»، همواره

«**تنها و رها و اسیر مادیات و نظر مردم**» است.

پرستی ۴:



شرط « اُمید » به خدا چیست؟

« شرطِ امید به وعده‌های الهی »،

« شناختِ » درست نقشه‌های شیاطین،

و « نا اُمید بودن » از

« وعده‌های شیطانی » است.

« خطواتِ شیطان کد اماند؟ »

نقشه چهارم: شیاطین اینست که:

با «**تلقینات**» مودیان و پیوسته»،

«**نامحرمان**» را (با هر بهانه‌ای) به هم «**پیامیزند**»،

اما «**زنان** و **شوهران**» را

با هر بهانه‌ای، با هم «**درگیر**» کنند.

یک نمونه «إلقاء شیطانی»:

اگر همسرتان به اندازه‌ای که دوستش دارید دوستان ندارد،
رابطه خود را تا « ناکجا » ادامه ندهید،
و به خودتان « امید ندهید » که:

« بالاخره روزی دوستم خواهد داشت. »

اینکه گاهی از طرف او پذیرفته می‌شوید و گاه نمی‌شوید،
شما را « کلافه » خواهد کرد.

انگار در جا، می‌دوید هر قدر تلاش می‌کنید به جایی نمی‌رسید.
این نرسیدن دائمی، شما را خسته و خشمگین و افسرده می‌کند.

خود را قانع نکنید که « اگر دوستم نداشت این مدت نمی ماند »
زیرا او فقط « بخاطر خودش » با شما مانده.

شما با محبت به او، احساس دوست داشتنی بودن به او می دهید،
غرور او را ارضا می کنید و باعث رشد عزت نفسش می شوید،
پس چرا با شما ادامه ندهد؟

وقتی به او که دوستان ندارد نزدیک می شوید، گویی به کاکتوس
نزدیک می شوید، هر چه بیشتر نزدیک شوید، بیشتر زخمی می شوید،
پس شما هم « کاکتوسهایتان » را رها کنید ... !!!

پرسش ۵:



« دوستی » انسانِ امیدوار تا کجاست؟

انسانِ « **امیدوار** »،

به خاطر « **رشد** » و « **تعالی** » خودش،

و لزومِ « **اصلاح محیط** » و ایجادِ « **وحدت** »،

به عنوانِ « **جلوةُ أرحم الراحمین** »، « **مخلصانه** »،

با تمام وجود (مثل یک مادر)، به همه « **محبت** » دارد.

این « **مَحَبَّت** بی دریغ »، از « آموزه‌های نورانی » قرآن است:

... ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ « **أَحْسَنُ** »

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ « **عَدَاوَةٌ** »، كَأَنَّهُ وَلِيٌّ **حَمِيمٌ** (۳۴)

وَمَا يُلْقَاهَا **إِلَّا** الَّذِينَ صَبَرُوا

وَمَا يُلْقَاهَا **إِلَّا** ذُو حَظٍّ **عَظِيمٍ** (فصلت/۳۵)

... با آنچه بهتر است مواجه شو تا آنجا که اگر میان تو و او دشمنی است، دوستی یکدل شوید
البته این خصلت را جز افراد صبور نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت.

پرسش ۶:



کدام سخن شیطان باعثِ « لعنت » او شد؟

لَعَنَهُ اللَّهُ وَ قَالَ:

لَا تُتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (۱۱۸)

وَلَا ضِلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مُرْتَكِنَ أَذَانِ الْأَنْعَامِ وَلَا مُرْتَهَمَ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (نساء/۱۱۹)

خدا لعنتش کند که گفت: از میان بندگان، سهمی برخواهم گرفت و آنها را گمراه

و به آرزو گرفتار می‌کنم و وادارشان می‌کنم تا گوشه‌های دامها را بشکافند و وادارشان می‌کنم

تا آفریده خدا را دگرگون سازند پس هر که به جای خدا کارگزار شیطان شود قطعاً زیانکار شده است

گام ہفتم شیطان:

وَأَضَلْنَاهُمْ

(آنها را سخت گمراه می‌کنم.)

وَأَمْنَيْنَاهُمْ

(و با آرزوهای دور و دراز سرگرمشان می‌کنم.)

وَأَمْرُنَهُمْ فَلْيُبْتِئْنَ آذَانَ الْأَنْعَامِ

(و آنها را به خرافه‌پرستی می‌کشانمشان.)

وَأَمْرُنَهُمْ فَلْيُغَيِّرُنْ خَلْقَ اللَّهِ

(و وادارشان می‌کنم تا نظام الهی را تغییر دهند.)

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا

(نساء/۱۱۹)

وَقَالَ:

پرستی ۷:



راه‌های «تقویت کنندهٔ آرزو»

توسط «شیاطین» کدامند؟

شیاطین با کشاندن مردم به « **مقایسه** کردن » خود:

۱- و احساسِ « **خود کم بینی** » و « **خود بزرگ بینی** »،

۲- و احساسِ « **فقر** » و « ناداری »،

۳- و « **ریا کاری** » و « **تبرج** » و « **خود نمائی** »،

۴- و « **تجمل گرایی** » و « **مصرف گرایی** »،

آنها را به « خیال بافی » و « **آرزوهای پایان ناپذیر** » می کشانند.

پرستی ۸:



« آفرینشِ خدا » را چگونه « تغییر » می دهند؟

شیاطین با تشویقِ مردم به «**ثروت‌اندوزی**»، آنها را به:

۱- «**تغییر ژنتیک**» و «**تولید**» محصولاتِ «**ترااریخته**»،

۲- «**تولید**» انواع «**ویروس**» و «**گازهای گلخانه‌ای**»،

۳- «**عقیم کردن خود**» و «**سقط جنین خود**»،

۴- و جایگزین کردن «**حیوان**» بجای «**فرزند**»، و

در «**نظام حکیمانه الهی**»، «**اختلال و فساد**» پدید می‌آورند.



خدایا؛

ما را از « **وهم** و **خیالبافی** » برهان،

و از « **وساوسِ شیاطین** » حفظ فرما،

و ما را در رسیدن به « **امیدِ مؤمنانه** » یاری کن،

و در زمینه‌سازیِ ظهورِ آخرین حجّت موفّق فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

